

درس اول

خواجه عبدالله انصاری ملقب به شیخ الاسلام و معروف به پیر انصار و پیر هرات از دانشمندان و عارفان قرن پنجم است که در سال ۴۸۱ هـ. ق در هرات درگذشت. از آثار مشهور او «الهی نامه، زادالعارفین، مناجات نامه و رساله‌ی دل و جان» را می‌توان نام برد. مناجات‌های خواجه عبدالله انصاری مسجع، لطیف، دلنشین، ساده و سرشار از مضامین عرفانی است.

نکات مهم

ملقب به	← شیخ الاسلام
معروف به	← پیر انصار
	← پیر هرات
} خواجه عبدالله انصاری:	
	← از دانشمندان و عارفان ← قرن پنجم هجری قمری
	← در سال ۴۸۱ هـ. ق ← شهر هرات درگذشت.
آثار مشهور	← ۱- مناجات نامه ۲- زادالعارفین ۳- الهی نامه ۴- رساله‌ی دل و جان [مزار]
ویژگی‌های مناجات	← مسجع، لطیف و دلنشین، ساده و سرشار از مضامین عرفانی

الهی

محتوای درس: نیایش، تحمیدیه و مناجات عارفانه

شیوه‌ی نگارش: نثر مسجع و آهنگین

مرجع تمامی ضمیرهای «او» (در این درس): خداوند

به نام آن خدای که نام او راحت روح است و پیغام او مفتاح فتوح* است و سلام او در وقت صبح مؤمنان را صبح* است^۱ و ذکر او مرهم دل مجروح است و مهر او بلانشینان را کشتی نوح است.

نکات مهم

راحت: آسایش، راحتی / **پیغام:** پیام (در این جا ← وحی الهی= قرآن) / **مفتاح:** کلید / **فتوح:*** گشایش حاصل شدن چیزی بیش از حد انتظار / **مفتاح و فتوح:** آرایه‌ی اشتقاق / **پیغام او مفتاح فتوح است:** آرایه‌ی تشبیه (پیغام: مشبه / مفتاح: مشبه به) / **مفتاح بودن:** کنایه از «گیره گشا بودن» / **سلام او** ■ **توضیحات (۱)** ← رحمت الهی / **وقت صبح:** هنگام صبح، بامداد / **صبح:** در این عبارت ← یعنی «آن چه باعث سرخوشی و نیروی معنوی فرد شود» (هر چیزی که صبح بخورند یا بیاشامند مانند شیر یا شراب) / **سلام او در وقت صبح مؤمنان را صبح است** ■ **توضیحات (۱)** ← سلام او (رحمت الهی) در صبحگاه، مؤمنان را سرمستی و نشاط می‌بخشد / **سلام او ... صبح است:** تشبیه (سلام او: مشبه / صبح: مشبه به) / **صبح بودن:** کنایه از «باعث سرخوشی و نشاط گردیدن» / **صبح و صبح:** اشتقاق / **مرهم:** دارویی که روی زخم می‌گذارند / **ذکر او مرهم دل مجروح است:** تشبیه (ذکر او: مشبه / مرهم: مشبه به) / **مرهم بودن:** کنایه از «شفابخشی» / **مهر:** محبت و عشق / **بلانشینان:** مصیبت‌زدگان، گرفتاران / **کشتی نوح:** آرایه‌ی تلمیح / **مهر او بلانشینان را کشتی نوح است:** تشبیه (مهر او: مشبه / کشتی نوح: مشبه به) / **کشتی نوح بودن:** کنایه از «نجات‌بخشی» / **واژه‌های «روح، فتوح، صبح، مجروح و نوح»:** آرایه‌ی سجع

صباح و صبح	} مراعات نظیر (تناسب):
صبح و صبح	
مرهم و مجروح / جناس ناقص:	}
روح و نوح	
کشتی و نوح	

◀ **معنی کل عبارت:** سخن خود را با نام خداوند آغاز می‌کنم، خدایی که نام او آرام‌بخش روح است و پیام او (قرآن، وحی) کلید پیروزی و گشایش است. سلام خداوند (رحمت الهی) به هنگام صبح به مؤمنان، نشاط، سرخوشی و نیروی معنوی می‌بخشد و ذکر و یاد خداوند، مرهم و شفای دل شکستگان است و عشق و محبت او برای مصیبت‌زدگان، همانند کشتی نوح، نجات‌بخش است.

◀ **نکته‌ی دستوری:** «آغاز می‌کنم»: از پایان جمله‌ی اول (به قرینه‌ی معنوی) حذف شده است ← [به نام آن خدایی «آغاز می‌کنم» که نام او راحت ...]



ای کریمی که بخشنده‌ی عطایی و ای حکیمی که پوشنده‌ی خطایی و ای صمدی که از ادراکِ خلق جدایی و ای اَحَدی که در ذات و صفات بی‌همتایی و ای خالقی که راهنمایی و ای قادری که خدایی را سزایی، جانِ ما را صفای خود ده و دلِ ما را هوایِ خود ده و چشمِ ما را ضیایِ خود ده و ما را آن ده که آن به و مگذار ما را به که و مه^۲.

نکات مهم

کریم: بخشنده / عطا: بخشش / حکیم: دانا، دانشمند

دو جمله‌ی «ای کریمی که بخشنده‌ی عطایی و ای حکیمی که پوشنده‌ی خطایی»: آرایه‌ی «ترصیع» / صمد: بی‌نیاز / ادراک: درک کردن، دریافتن، فهمیدن / اَحَد: یکتا، واحد، یگانه / ذات: وجود، حقیقت، نفس و جوهر چیزی / قادر: توانا / سزایی: سزاواری، شایسته‌ای / صفا: پاکی / هوا: عشق، علاقه و محبت / ضیا: نور، روشنایی (ضیاع ← جمع ضیعت: زمین زراعتی)

عبارت «ای صمدی که از ادراکِ خلق جدایی و ای احدى که در ذات و صفات بی‌همتایی»

◀ ارتباط معنایی دارد با:

- ۱- نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی
- ۲- کسی ماهیت ذاتش نداند که کس با او و او با کس نماند
- ۳- ای برتر از خیال و قیاس و گمان و وهم وز هر چه گفته‌اند و شنیدیم و خوانده‌ایم

سه جمله‌ی «جان ما را صفای خود ده» و «دل ما را هوایِ خود ده» و «چشم ما را ضیایِ خود ده»: آرایه‌ی «موازنه» / که: کوچک / مه: بزرگ / که و مه: مجاز از «همگان»، «همگی مردم» / مگذار ما را به که و مه ■ توضیحات (۲) ▶ ما را اسیرِ کوچک و بزرگ نکن (ما را جز به خودت به کس دیگر وامگذار) / جناس: عطایی و خطایی / که و مه: تضاد (طباق) / چشم و ضیا: مراعات نظیر (تناسب)

عطایی، خطایی، جدایی، بی‌همتایی، راهنمایی و سزایی
سجع: ده، به و مه

◀ معنی عبارت: ای کریمی که به ما نعمت بخشیده‌ای و ای دانایی که پوشاننده‌ی خطایی و ای بی‌نیازی که در فهم انسان‌ها نمی‌گنجی و ای خدای یگانه‌ای که در ذات و صفات، بی‌مانند هستی و ای آفریننده‌ای که راهنمای ما هستی و ای توانایی که سزاوارِ خداوندی می‌باشی؛ جان ما را از صفا و پاکی خود لبریز کن و در دل ما هوا (عشق) خود را قرار بده، چشم ما را از نور خود روشن کن، به ما آن چیزی را ببخش که آن چیز، بهترین است و ما را اسیرِ کوچک و بزرگ نکن (ما را جز به خودت به کس دیگر وامگذار).

◀ نکته: بیشتر جملات عبارت بالا برگرفته از آیات و احادیث است به عنوان مثال: «ای حکیمی که پوشنده‌ی خطایی» ← سَتَّارِ الْعِیُوبِ = (پوشاننده‌ی عیب‌ها و خطاها) / «ای صمدی که از ادراکِ خلق جدایی» ← «اللَّهُ صَمَدٌ» یا «لَا تَدْرُکُهُ الْبَصَارُ وَ هُوَ یَدْرُکُ الْبَصَارَ» / «ای احدى که در ذات و صفات بی‌همتایی» ← «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» و ...

الهی، عبدالله عُمَرُ بکاست^۲ اما عذر نخواست.

نکات مهم

عمر بکاست ■ توضیحات (۳) ▶ کنایه از این‌که «پیر شد» / عذر: توبه / عمر و عذر: جناس ناقص / بکاست و نخواست: سجع

عبدالله: ایهام } بنده‌ی خدا
خواجه عبدالله انصاری

◀ معنی: خداوندا، عبدالله پیر شد ولی توبه نکرد.

الهی، عذر ما بپذیر، بر عیب‌های ما مگیر^۴.

نکات مهم

مگیر ■ توضیحات (۴) ▶ بازخواست نکن (مؤاخذه نکن) / بپذیر و مگیر: سجع

◀ معنی: خداوندا، عذر و توبه‌ی ما را قبول کن و ما را به خاطر خطاها و گناهانمان، بازخواست نکن.

الهی، ترسانم از بدی خود؛ بیمارم مرا به خوبی خود.

نکات مهم

مرجع ضمیرهای «خود»: { (اولی): نویسنده (خواجه عبدالله انصاری) / بدی و خوبی: تضاد / (دومی): خداوند / سجع }

معنی: الهی، از کارهای بد خود می‌ترسم؛ مرا به خوبی و پاکی خود ببخشای (عفو کن).

الهی، در دل‌های ما جز تخم محبت خود مکار و بر تن و جان‌های ما جز آلفاف و مرحمت خود مینگار و بر کشته‌های ما جز باران رحمت خود مبار.

نکات مهم

منگار: ننویس (هم خانواده‌ی «نگارش» از مصدر «نگاشتن») / کشته: کشتزار، زراعت / تخم محبت: اضافه‌ی تشبیه‌ی (محبت: مشبه / تخم: مشبّه‌به) / دل‌ها: استعاره‌ی مکنیه (نویسنده «دل» را به زمینی تشبیه کرده که می‌توان در آن تخم و بذر کاشت؛ اما زمین (مشبه‌به) را نیاورده، به همین دلیل این تشبیه تبدیل شده است به استعاره) / تن و جان‌ها: استعاره‌ی مکنیه (تن و جان‌ها به چیزی مثل «لوح، دفتر و یا صفحه‌ای» تشبیه شده که می‌توان بر روی آن نگاشت؛ اما مشبه‌به [لوح یا دفتر و صفحه] ذکر نشده است بنابراین استعاره می‌باشد) / باران رحمت: اضافه‌ی تشبیه‌ی (رحمت الهی به باران تشبیه شده است ← رحمت: مشبه / باران: مشبه‌به) / کشته: استعاره از «اعمال و کردار» (اعمال و کردار به کشته و زراعت تشبیه شده اما اعمال و کردار [مشبه] حذف شده، بنابراین این تشبیه تبدیل شده است به استعاره) / باران رحمت بر کشته‌ها باراندن: کنایه از «مورد رحمت و عطوفت قراردادن»

مراعات نظیر (تناسب): { تخم و مکار / دل و تن و جان / مکار و مبار: جناس ناقص / مکار، منگار و مبار: سجع / باران و مبار: اشتقاق / کشته، باران و مبار }

معنی عبارت: خداوندا، در دل (وجود) ما جز عشق خودت، چیزی قرار مده و بر لوح تن و جان ما تنها لطف و رحمت خود را تصویر کن و بر کشته‌های ما (= اعمال و کردار ما) باران رحمت خود را بباران.

سید محمد حسین بهجت تبریزی، متخلص به شهریار (۱۳۶۷-۱۲۸۵ تبریز) از برجسته‌ترین شاعران غزل‌سرای معاصر است. او علاوه بر غزل در سرودن انواع شعر فارسی مهارت داشت. از آثار او می‌توان به منظومه‌ی «حیدربابایه سلام» (به زبان ترکی آذربایجانی) و کلیات اشعار (در پنج جلد) اشاره کرد. «همای رحمت» یکی از سروده‌های مشهور و شورانگیز شهریار در وصف مولای متقیان علی (ع) است. او در این سروده، با بهره‌گیری از زبانی صمیمی و عاطفی و ساده و روان، باور و ایمان عمیق و ارادت خود را نسبت به اهل بیت (ع) آشکار می‌سازد.

نکات مهم

سید محمد حسین بهجت تبریزی: { متخلص به شهریار / از برجسته‌ترین شاعران غزل‌سرای معاصر / علاوه بر غزل در سرودن انواع شعر فارسی مهارت دارد / آثار ۱- منظومه‌ی «حیدربابایه سلام» (به زبان ترکی آذربایجانی) ۲- کلیات اشعار (پنج جلد) }

غزل «همای رحمت»: { در وصف حضرت علی (ع) / زبان صمیمی، عاطفی، ساده و روان / نمایانگر باور و ایمان عمیق و ارادت شاعر نسبت به اهل بیت (ع) }

شهریار (۱۳۶۷ - ۱۲۸۵): سید محمد حسین بهجت متخلص به شهریار؛ غزل‌سرای بزرگ معاصر ← (بخش «اعلام» [فهرست نام‌های کسان، جای‌ها و کتاب‌ها] پایان کتاب درسی)



همای رحمت

قالب شعر: غزل

مخاطب: امام علی (ع)

محتوای درس: بیانگر «عظمت، گذشت و وفاداری حضرت علی (ع)»

علی ای همای* رحمت تو چه آیتی خدا را!! که به ما سوا* فکندی همه سایه‌ی هما را^۵

نکات مهم

هما*: پرنده‌ای از راسته‌ی شکاریان، دارای جُثّه‌ای نسبتاً درشت. در زبان پهلوی به معنی «فرخنده» است و به همین دلیل، نماد «سعادت» واقع شده است / **آیت**: نشانه، علامت / **ماسوا***: مخفّف «ماسوی‌الله»؛ آن‌چه غیر از خداست، همه‌ی مخلوقات / **علی ای همای رحمت**: تشبیه (علی: مشبّه / همای رحمت: مشبّه‌به) / **هما**: نماد «خوشبختی و سعادت» / **آیت**: ایهام تناسب (۱- نشانه و دلیل [که حضور دارد] ۲- آیه‌ی قرآن [که در بیت حضور ندارد ولی با «خدا» ارتباط و تناسب دارد؛ به همین دلیل، ایهام تناسب ایجاد کرده است]) / **سایه‌ی هما را بر سر کسی افکندن**: کنایه از «خوشبخت و سعادت‌مند نمودن کسی» [تلمیح دارد به «عقیده‌ی پیشینیان در مورد پرنده‌ی سعادت‌بخش هما»] / **هما**: آرایه‌ی تکرار

◀ **معنی**: ای علی، ای پرنده‌ی مهر و محبّت خداوند، تو عجب نشانه‌ی بزرگی برای شناخت خداوند هستی! که سایه‌ی سعادت و رحمت الهی را بر سر همه‌ی موجودات عالم افکنده‌ای. (توضیحات «۵»)

◀ **مفهوم بیت**: اشاره دارد به «عظمت و رحمت و سعادت‌بخشی امام علی (ع)»

◀ **نکته‌ی دستوری**: را } در مصراع اول ← حرف‌اضافه به معنای «برای» [تو چه آیتی برای خدا هستی] } در مصراع دوم ← نشانه‌ی مفعول

دل اگر خداشناسی همه در رُخ علی بین به علی شناختم من، به خدا قسم، خدا را

نکات مهم

دل: مجاز از «انسان» / **رُخ علی**: مجاز از «وجود» علی (ع)

واج‌آرایی: تکرار صامت «خ» / آرایه‌ی تکرار: } خدا
علی

◀ **معنی**: ای انسان اگر خدا را می‌خواهی بشناسی به وجود علی (ع) نگاه کن. به خدا سوگند که من با شناختِ علی، خدا را شناختم.

◀ **مفهوم**: } شناخت حضرت علی (ع) مقدّمه و پیش نیازِ شناختِ خداوند است } از علی (ع) می‌توان به خدا رسید

مگر ای سحاب* رحمت تو بیاری آژنه دوزخ به شرارِ قَهَر سوزد، همه جانِ ما سوا را

نکات مهم

مگر: امید است، آرزو دارم / **سحاب***: ابر / **شرار**: جرقه‌ی آتش / **قهر**: عذاب کردن، چیره شدن، خشم، غضب / **آژنه**: مخفّف اگر نه / **سحاب رحمت**: استعاره از «حضرت علی (ع)»

مراعات نظیر: } سحاب و بیاری
شرار قهر: اضافه‌ی تشبیه‌ی (قهر: مشبّه / شرار: مشبّه‌به) } دوزخ، شرار و سوزد

◀ **معنی**: ای ابر رحمت و مهربانی (ای علی (ع)) امید داریم باران رحمت را بر سر ما ببارانی وگرنه جهنّم با آتش خشم و عذاب، تمامی موجودات را می‌سوزاند.

◀ **مفهوم**: «طلبِ شفاعت از حضرت علی (ع)»

برو ای گدای مسکین در خانه‌ی علی رَن که نگین پادشاهی دَهَد از کرم گدا را

نکات مهم

- توضیحات (۶) ◀ اشاره به آیهی «أَمَّا وَلَيْكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُم رَاكِعُونَ» (آیهی ۵۵ سورهی مائده) که حضرت علی (ع) انگشتر خود را در نماز به سائل (= گدا) بخشید. ◀ آرایه‌ی «تلمیح»
- گدا و پادشاه: تضاد (طباق) / نگین: مجاز از «انگشتر» / در و خانه: مراعات نظیر (تناسب)
- در خانه‌ی کسی را زدن: کنایه از «طلب کردن چیزی»، «یاری و کمک خواستن»
- معنی: ای گدای نیازمند برو و در خانه‌ی علی را بزنی و از او کمک بخواه زیرا او انگشتر پادشاهی خود را به گدا می‌بخشد.
- مفهوم: بخشش فراوان علی (ع) و کمک به نیازمندان (توضیحات ۶)

به جز از علی که گوید به پسر که قاتل من چو اسیر توست اکنون به اسیر کن مُدارا؟^۷

نکات مهم

- بیت آرایه‌ی «تلمیح» دارد؛ اشاره به ضربت خوردن حضرت علی (ع) در نوزدهم ماه رمضان و سفارش آن حضرت به پسر بزرگ خود (امام حسن (ع)) که با قاتل من (ابن ملجم) با مدارا و مهربانی رفتار کنید. / قاتل: مجاز از «ضارب» (چون حضرت علی (ع) هنوز گشته نشده بود) / اسیر: تکرار
- معنی: به غیر از حضرت علی (ع) چه کسی به پسر خود می‌گوید که اکنون که قاتل من در چنگ توست، با او به مهربانی رفتار کن.
- مفهوم: عفو و بخشایش و رحمت و مهربانی حضرت علی (ع)
- نکته‌ی دستوری: که { (اولی): ضمیر پرسشی / بیت دارای «استفهام (پرسش) انکاری» است (دومی): حرف ربط وابسته‌ساز }
- توضیحات (۷) ◀ استفهام انکاری (= پرسش تأکیدی): سؤالی است که نیاز به پاسخ ندارد و هدف شاعر یا نویسنده از طرح پرسش، تأکید بیشتر می‌باشد.

به جز از علی که آرد پسری ابوالعجایب که عَلم گُند به عالم شهدای کربلا را؟

نکات مهم

- ابوالعجایب: پدر عجایب و شگفتی‌ها، شگفت‌آفرین، خارق‌العاده / بیت آرایه‌ی «تلمیح» دارد؛ اشاره به شهادت امام حسین (ع) و یارانش در روز عاشورا در صحرای کربلا / عَلم کردن: کنایه از «مشهور و زبانزد نمودن» / عَلم: پرچم / پسری ابوالعجایب: منظور «حضرت امام حسین (ع)» / عالم و عالم: { جناس ناقص / اشتقاق }
- معنی: به غیر از حضرت علی (ع) چه کسی می‌تواند پسری عجیب و خارق‌العاده تربیت کند، تا در دنیا شهیدان کربلا را مشهور و زبانزد سازد.
- نکته‌ی دستوری: که (اولی): ضمیر پرسشی / بیت دارای «استفهام انکاری» است

چو به دوست عهد بندد زمین پاک بازان چو علی که می‌تواند که به سر بُرد وفا را؟

نکات مهم

- پاک‌باز: کسی که در راه هدف خود، هرچه دارد ببازد و از دست بدهد (کنایه)
- ۱- خداوند
- ۲- پیامبر (ص) (در حالت دوم)، تلمیح و اشاره دارد به «لیلة المبيت» شبی که حضرت علی (ع) به جای پیامبر (ص) در بستر منظور از «دوست»: { خوابید و جان خود را به خطر انداخت.
- به سر بُردن وفا: کنایه از «به پایان رساندن شرط وفاداری؛ تا به آخر وفادار ماندن»
- معنی: در بین وارستگان و پاک‌باختگان چه کسی مانند علی (ع) هنگامی که با دوست، پیمان و عهد می‌بندد، می‌تواند شرط وفاداری را تا به پایان به جای آورد.
- مفهوم: { ۱- وفاداری علی (ع) ۲- وارستگی و پاک‌باختگی علی (ع) }
- نکته‌ی دستوری: «که» (اولی): ضمیر پرسشی / بیت دارای استفهام انکاری است



نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت مُحْتَرِم چه نامم شه مُلْك لافْتی را؟^۸

نکات مهم

مُلْك: سرزمین، مملکت، پادشاهی / **فَتی:** جوانمردی / **مُلْك لافْتی:** سرزمین جوانمردی

شه ملک لافْتی: استعاره از «حضرت علی (ع)» / «نه» و «توانمش»: تکرار / مرجع «ش» (توانمش): (هر دو) حضرت علی (ع)

■ **توضیحات (۸):** بیت **تلمیح** دارد به جمله‌ی مشهور «**لافْتی الّا علی لاسیف الّا ذوالفقار**» که ندایش هم‌زمان با رشادت‌های فوق‌العاده‌ی آن حضرت در

غزوه‌ی اُحد در فضای آسمان پیچیده شده بود. [معنی جمله: جوانمردی چون علی و شمشیری چون ذوالفقار نیست (سیف: شمشیر)]

◀ **معنی:** نه او را خدا می‌توانم بگویم و نه بشر. درشگفتم که پادشاه سرزمین جوانمردی را چه بنامم.

◀ **مفهوم:** ناتوانی و شگفتی و حیرت شاعر در توصیف عظمت حضرت علی (ع)

◀ **نکته‌ی دستوری:** نقش ضمیرهای «ش» (توانمش): (هر دو) ← مفعول (نه او را خدا توانم خواند و نه او را بشر توانم گفت) / واژه‌ی «نه»: برای تأکید

بیشتر از فعل جدا شده است ← (خدا نمی‌توانم بخوانم، بشر نمی‌توانم ...)

به دو چشم خون فشانم، هله* ای نسیم رحمت که زکوی او غباری به من آر توتیا* را^۹

نکات مهم

هله*: صوت (شبه‌جمله‌ی) تنبیه به معنی «آگاه باش» / **توتیا*:** اکسید طبیعی و ناخالص روی که محلول آن گندزدایی قوی است. در قدیم این اکسید را

در جوش‌های بهاره و جوش‌های تراخمی به‌صورت گرد، روی پلک‌ها می‌پاشیدند. این ماده‌ی شفابخش در تعبیر شاعرانه وسیله‌ای است برای روشنایی چشم.

توتیا را با سرمه که گرد نرم‌شده‌ی سولفور آهن یا نقره است و در قدیم برای سیاه کردن پلک‌ها و مژه‌های چشم به‌کار می‌رفته است، نباید اشتباه کرد

چشم خون فشان: اغراق (از چشم، خون فشاندن) / **نسیم:** تشخیص (= آدم‌نمایی) / **کوی:** کوچه، محله، بَرَزَن (در این جا ← درگاه، آستان) / **چشم و توتیا:**

مراعات نظیر / غبار، توتیا: تشبیه (غبار: مشبّه / توتیا: مشبّه‌به) / مرجع ضمیر

او: حضرت علی (ع)
من: شاعر (استاد شهریار)

■ **توضیحات (۹):** «را»: حرف اضافه است به‌معنای «برای» (توتیا را= برای توتیا)

نسیم: نماد «پیک، قاصد و خبررسانی بین عاشق و معشوق»

◀ **معنی:** ای نسیم رحمت آگاه باش، به این چشمان گریان و خونین، قَسَمَت می‌دهم که گرد و غباری از منزل او (حضرت علی (ع)) به عنوان توتیا

(و روشنایی چشم) برای من بیاوری.

◀ **نکته‌ی دستوری:** «قسمت می‌دهم» (بعد از «دو چشم خون فشانم»): حذف به قرینه‌ی معنوی / «را»: حرف اضافه (برای) [← نکته‌ی تکراری]

به امید آن که شاید برسد به خاکِ پایت چه پیام‌ها سپردم، همه سوزِ دل، صبا* را

نکات مهم

باد خنک و لطیفی که از جانب شمال شرق می‌وزد

صبا*: نماد «پیام‌رسانی» است

تشخیص

سوز دل: درد و داغ درونی / **خاک پا:** مجاز از «وجود معشوق» (حضرت علی (ع)) / مرجع «ت» (پایت): امام علی (ع) / مراعات نظیر: صبا و پیام

پا و دل

◀ **معنی:** چه پیام‌هایی حاوی درد و سوز درونی به باد صبا سپردم به این امید که شاید پیغامم به تو برسد.

چو تویی قضای گردان، به دعای مستمندان که زجان ما بگردان ره آفتِ قضا^{۱۰} را

نکات مهم

قضا: حکم، تقدیر (در این جا، پیشامد ناگوار) [غزا: غزه، جنگ / غذا: خوردنی] / **چو:** چون، به این علت (ادات تشبیه به معنی «مانند» نیست)

قضای گردان: گرداننده‌ی قضا، تغییردهنده‌ی قضا و پیشامدهای ناگوار / مرجع ضمیر «تو»: حضرت علی (ع) / **جان:** مجاز از «وجود»

راه گرداندن: کنایه از «دور کردن» / **گردان و قضا:** تکرار

◀ **معنی:** توضیحات (۱۰) ← ای علی، چون تو گرداننده‌ی قضا (تغییردهنده‌ی قضا و پیشامدهای ناگوار) هستی، به حقّ دعای نیازمندان و دل‌آزردگان،

پیشامدهای بد را از ما دور گردان.

۱- «سحر بر شاخسار بوستانی
برآور هر چه اندر سینه داری
۲- «گفتم این شرط آدمیت نیست



بیاموزیم:

۱- مهر او بلانشینان را کشتی نوح است.

۲- نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت // متحیرم چه نامم شه ملک لافتی را

در نمونه‌ی ۱ به داستان حضرت نوح و در نمونه‌ی ۲ به حدیث «لَا فِتْنَةَ إِلَّا عَلَى لَا سَيْفَ إِلَّا ذُو الْقَفَّارِ» اشاره شده است. به این نوع استفاده از آیات، احادیث، داستان‌ها و وقایع تاریخی در ضمن شعر یا نوشته «تلمیح» می‌گویند. تلمیح در لغت یعنی «به گوشه‌ی چشم اشاره کردن»؛ چند نمونه‌ی دیگر تلمیح:

□ آسمان بار امانت نتوانست کشید قرعه‌ی کار به نام من دیوانه زدند (حافظ)

اشاره به آیه: إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَ حَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا.

□ چنین گفت پیغمبر راست‌گوی ز گهواره تا گور دانش بجوی (فردوسی)

اشاره به حدیث: أَطْلُبُوا الْعِلْمَ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى اللَّحْدِ.

□ بیستون بر سر راه است، مباد از خبری گفته و غمگین دل فرهاد کنید (ملک الشعرای بهار)

اشاره به داستان «شیرین و فرهاد».

«آسمان بار امانت نتوانست کشید قرعه‌ی کار به نام من دیوانه زدند»

نکات مهم

آسمان: مجاز از «کلّ آفرینش» (آسمان، زمین، کوه‌ها و ...) / بار امانت: اضافی تشبیهی (امانت: مشبّه / بار: مشبّه‌به) / بار و کار: جناس ناقص من دیوانه: منظور «انسان» / امانت: استعاره از «عشق الهی»

«چنین گفت پیغمبر راست‌گوی ز گهواره تا گور دانش بجوی»

نکات مهم

راست‌گوی: صفت فاعلی مرکب مرخّم ← راست‌گوینده

مجاز } گهواره: مجاز از «آغاز زندگی»
گور: مجاز از «پایان زندگی»

گهواره و گور: نوعی تضاد (در این بیت)

بیت دارای آرایه‌ی «مَثَل = ضرب‌المثل» است

◀ مفهوم بیت: تأکید بر «اهمّیتِ دانش‌اندوزی و کسبِ علم»

«بیستون بر سر راه است، مباد از شیرین خبری گفته و غمگین دل فرهاد کنید»

نکات مهم

بیستون، شیرین و فرهاد: مراعات‌نظیر (= تناسب) / بیستون: استعاره از «مشکلات و سختی‌های راه»

فرهاد: نماد «عاشق پاک‌باخته» / شیرین: نماد «معشوق» / سر راه: می‌توانیم (مانند «دل شب») اضافی استعاری و تشخیص بدانیم هرچند که نظر مخالف هم وجود دارد!

خودآزایی

۱- یک نمونه سجع در مناجات خواجه عبدالله بیابید.

در بند (پاراگراف) اوّل: واژه‌ی «روح»، «فتوح»، «صبح»، «مجرّوح» و «نوح» سجع هستند و دیگر سجع‌ها نیز در متن درس گفته شده است.

۲- در عبارت «بر کشته‌های ما جز باران رحمت خود مبار» مقصود از «کشته‌ها» چیست؟

استعاره از «اعمال و کردار».

۳- بیت پنجم شعر همای رحمت به چه موضوعی اشاره دارد؟

بیت «به جز از علی که گوید به پسر که قاتل من / چو اسیر توست اکنون به اسیر کن مدارا» اشاره دارد به «عفو و بخشایش و گذشت و رحمت علی(ع) در جریان ضربت خوردن از ابن‌ملجم و سفارش آن حضرت به امام حسن (ع) که با وی با مدارا و مهربانی رفتار کنید».

۴- شاعر در کدام بیت ناتوانی خویش را از وصف علی (ع) بیان می‌کند؟

بیت هشتم: «نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت // متحیرم چه نامم شه ملک لافتی را»

۵- در بیت سیزدهم مقصود از پیام آشنا و آشنا چیست؟

پیام آشنا: از منظر شهریار ← حضرت علی (ع) / از دیدگاه حافظ ← معشوق حافظ / آشنا: از منظر شهریار ← عاشق (شاعر) = شهریار / از نگاه حافظ ← عاشق، شاعر = حافظ [← اوّل: حضرت علی = معشوق / دومی: عاشق = شاعر]

۶- نمونه‌ای دیگر از تلمیح را که قبلاً خوانده‌اید، بیان کنید.

«چون رایت عشق آن جهان گیر // شد چون مه لیلی آسمان گیر» اشاره به عشق لیلی و مجنون (ادبیات فارسی سال اوّل)

۷- نمونه‌ی دیگری از مناجات‌های خواجه عبدالله انصاری را در کلاس بخوانید.

برعهده‌ی دانش‌آموزان عزیز.

◀ واژه‌هایی که اهمیت املائی دارند:

مُلَقَّب، لقب، القاب / پیر انصار / شهر هرات / زاذالعارفین / رساله، نامه، کتاب / مسجّع و آهنگین / مضامین عرفانی / راحت روح / مفتاح فتوح / صباح و صبح و صُبح / مرهم و شفا / مهر و عشق / عطا و بخشش / صمد و بی‌نیاز / آحد و یگانه / ذات و صفت / قادر و توانا / سزا و شایسته / صفا و پاکی / ضیا و روشنایی / مگذار، وامگذار، رها نکن / عُذر نخواست / الطاف و مرحمت / متخلّص به شهریار / معاصر، هم عصر / وصف مولای مُتّقیان / زبان صمیمی و عاطفی / همای رحمت / ماسوا، مخلوقات / سحاب و ابر / شرار قهر / پسر ابوالعجائب / عَلم و پرچم / شه ملک لافتی / هله، آگاه باش / توتیا و چشم / باد صبا / قضای‌گردان، تغییردهنده‌ی تقدیر / ره آفتِ قضا / لسان غیب، زبان عالم غیب / قُرعه‌ی کار.

درس اوّل: الهی

● سراسری ▶▶▶

۱- مفهوم کلی عبارات زیر در کدام بیت مشهود است؟

(تجربی ۸۸)

«به نام آن خدای که نام او راحت روح است و پیغام او مفتاح فتوح است؛ ذکر او مرهم دل مجروح است و مهر او بلانشینان را کشتی نوح است.»

به تجمّل بنشیند به جلالت برود
که عجب دارم اگر تخته به ساحل برود
چند مرهم بنهادیم و اثر می‌نرود
چگونه چون قلمم، دود دل، به سر نرود

۱) کاروانی که بوّد بدرقه‌اش حفظ خدا
۲) موج از این بار چنان کشتی طاقت بشکست
۳) زخم شمشیر غمت را به شکیبایی و عقل
۴) سیاه‌نامه‌تر از خود کسی نمی‌بینم

● آزاد ▶▶▶

۲- عبارت «الهی! عبدالله عمر بکاست، اما عذر نخواست.» یعنی: پروردگارا! عبدالله

(انسانی ۹۱ و تجربی ۸۹)

۲) پیر شد، ولی در درگاهت توبه نکرد.

۱) عمری گذراند، اما پوزشی نخواست.

۴) به پیری رسید و آن را جبران نکرد.

۳) در گل زندگی فروماند و کاری انجام نداد.



- ۳- در عبارت «الهی، عبدالله عمر بکاست، اما عذر نخواست.» کدام آرایه‌ها مشاهده می‌شوند؟ (فارغ از کشور (ریاضی ۸۹)
- (۱) تلمیح، تضاد
(۲) ایهام، کنایه
(۳) کنایه، تشخیص
(۴) تضاد، ایهام
- ۴- همه‌ی گزینه‌ها به معنی جمله‌ی «مگذار ما را به که و مه.» نزدیکند، مگر گزینه‌ی (تجربی ۸۶ و فنی ۸۳)
- (۱) ما را به‌جز خودت به کس دیگری وامگذار.
(۲) ما را در همه‌ی عمر نیازمند بندگان قرار مده.
(۳) ما را گرفتار بندگان دنیادوست قرار مده.
(۴) کوچک‌ترین و بزرگ‌ترین نیازمان را برآورده ساز.
- ۵- در عبارت «الهی، در دل‌های ما جز تخم محبت خود مکار و بر تن و جان‌های ما جز الطاف و مرحمت خود منگار و بر کشته‌های ما جز باران رحمت خود مبار.» کدام آرایه وجود ندارد؟ (فارغ از کشور انسانی ۸۶، فنی ۸۲ و بیستمین دوره‌ی المپیاد ادبی)
- (۱) جناس
(۲) ایهام
(۳) استعاره
(۴) تشبیه
- ۶- در عبارت «بر کشته‌های ما جز باران رحمت خود مبار.» مقصود مناسب‌تر «کشته‌ها» در کدام گزینه آورده شده است؟ (تجربی ۸۵)
- (۱) اعمال انسان در این دنیا
(۲) رفتار انسان در آخرت
(۳) اعمال انسان در ارتباط با دیگران
(۴) رفتار انسان در جهت خدمت به مردم
- ۷- در عبارت «به نام آن خدای که مهر او بلانشینان را کشتی نوح است»، «مشته» کدام است؟ (پزشکی ۸۳)
- (۱) بلانشینان
(۲) کشتی
(۳) نام
(۴) مهر

● آزمون سنجشی

- ۸- «آن‌چه باعث سرخوشی و نیروی معنوی فرد شود.» معنی کدام کلمه است؟ (سنجش ۸۳)
- (۱) صبح
(۲) صباح
(۳) مصابیح
(۴) مصباح
- ۹- در کدام گزینه آرایه‌ی «جناس» وجود دارد؟ (سنجش ۸۲)
- (۱) سلام او در وقت صبح مؤمنان را صبح است.
(۲) الهی، عذر ما بپذیر؛ بر عیب‌های ما مگیر.
(۳) الهی، ترسانم از بدی خود؛ بیامرز مرا به خوبی خود.
(۴) ذکر او مرهم دل مجروح است و مهر او بلانشینان را کشتی نوح است.
- ۱۰- «خواجه عبدالله انصاری»، ملقب به از دانشمندان و عارفان قرن است. (سنجش ۸۱)
- (۱) پیر هرات - چهارم
(۲) پیر هرات - پنجم
(۳) شیخ الاسلام - چهارم
(۴) شیخ الاسلام - پنجم

درس اول: همای رحمت

● سراسری

- ۱۱- مفهوم همه‌ی ابیات، به‌استثنای بیت با یک‌دیگر تناسب دارد. (ریاضی ۹۱)
- (۱) از صبا پرس که ما را همه شب تا دم صبح
(۲) من ای صبا ره رفتن به کوی دوست ندانم
(۳) با صبا افتان و خیزان می‌روم تا کوی دوست
(۴) ای صبا سوختگان بر سر ره منتظرند
- بوی زلف تو همان مونس جان است مرا
تو می‌روی به سلامت سلام ما برسانی
وز رفیقان ره استمداد همّت می‌کنم
گر از آن یار سفر کرده پیامی داری
- ۱۲- ویژگی شاعرانه‌ی باد صبا در همه‌ی ابیات، به‌استثنای مشترک است. (زبان ۹۱)
- (۱) ای صبا سوختگان بر سر ره منتظرند
(۲) صبا به لطف بگو آن غزال رعنا را
(۳) هر صبح و شام قافله‌ای از دعای خیر
(۴) من و باد صبا نالان دو سرگردان بی‌حاصل
- گر از آن یار سفر کرده پیامی داری
که سر به کوه و بیابان تو داده‌ای ما را
در صحبت شمال و صبا می‌فرستمت
من از افسون چشم‌ت مست و او از تاب گیسویت